

وارن بافت

بورس بازی با 52 میلیارد دلار ثروت



به انضمام:

23 اصل سرمایه گذاری

و

7 اشتباه نابخشدنی در سرمایه گذاری بافت

عباس صمصامی

تهیه و تنظیم:

وبلاگ "الفبای بورس"

<http://www.abc.bourseblog.ir>

وارن بافت

بورس بازی با 52 میلیارد دلار ثروت

بسیاری از صاحبان کسب و کارهای کوچک آرزوهای بزرگی در سر دارند. و اغلب الگوهای شخصی نیز برای خود برگزیده‌اند. این الگوها عموماً افراد صاحب‌نامی هستند که صاحب کسب و کار وسیع و ثروت و شهرت فراوان می‌باشند: بیل گیتس، مایکل جردن، سرگئی برین و لری پیج و ...

وارن بافت (Warren Buffett) موفق‌ترین سرمایه‌گذار جهان در 50 سال اخیر به شمار می‌رود. وی با 52 میلیارد دلار ثروت، ثروتمندترین سرمایه‌گذار جهان و سومین مرد ثروتمند دنیا به شمار می‌رود. فلسفه سرمایه‌گذاری او بر "سرمایه‌گذاری بر مبنای ارزش" و سودآوری آتی شرکت‌ها استوار است. در سال 2007، مجله تایمز وی را به عنوان یکی از صد تاثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ جهان معرفی کرد. در نقل قولی معروف، بافت معاملات سهام را بهترین گزینه برای سودآوری دانست. وارن بافت، یکی از کسانی است که به عنوان الگوی بسیاری از جوانان آتی‌دار و جویای موفقیت مطرح می‌باشد. بافت در 30 اوت 1930 در آمریکا متولد شد او که اکنون پا به سن گذاشته گنجینه‌ای از تجربیات گرانبهاست که پس از یک عمر سرمایه‌گذاری و مشاهده ظهور و سقوط‌ها به دست آورده است. بد نیست کمی با عقاید او آشنا باشیم و بدانیم دنیا را چگونه می‌بیند. او بورس‌باز و جزیی از خانواده‌ی معامله‌گران و یکی از مالکان اصلی شرکت‌هایی نظیر ژیلت یا آمریکن اکسپرس محسوب می‌شود. جالب است بدانیم او در سن 11 سالگی، در وال استریت، پادویی می‌کرد و به مشاغلی نظیر فروش نوشابه، روزنامه یا واکس‌زدن کفش‌ها اشتغال داشت. وارن بافت 80 ساله، در طبقه‌بندی انواع تحلیلگران، از متعصب‌ترین تحلیلگران بنیادی محسوب می‌شود.



بافت اولین سهام خود را در سن یازده سالگی خرید و اکنون حسرت می‌خورد که چقدر دیر شروع کرد!

بافت در چهارده سالگی از محل پس‌اندازهایش یک مزرعه خرید. پس‌اندازهای او حاصل توزیع روزنامه بود.

بافت هنوز در همان خانه سه خوابه در اوماها (که 50 سال پیش در هنگام ازدواج خریداری کرد) زندگی می‌کند و می‌گوید هرآنچه که لازم دارد در آن یافت می‌شود. خانه او دیوار یا حصار ندارد.

بافت خودش رانندگی می کند و راننده یا محافظ شخصی ندارد.

بافت با وجودی که صاحب بزرگترین شرکت جت اختصاصی است خود هیچگاه با هواپیمای اختصاصی مسافرت نمی کند.

شرکت او، برکشایر هاثوی، صاحب 63 شرکت دیگر است. بافت هر سال تنها یک نامه به روسای این شرکتها می نویسد و اهداف سالانه را به ایشان می دهد. هیچگاه ملاقات یا تماسهای مرتب با آنها ندارد.

او به روسای شرکتها دو قانون را یادآوری می کند:

قانون اول: پول سهامدارانتان را نسوزانید.

قانون دوم: هیچگاه قانون اول را فراموش نکنید.

بافت با افراد سطح بالای جامعه معاشرت نمی کند. بلکه وقتی به خانه می رسد پاپ کورن برای خودش درست می کند و به تماشای تلویزیون می نشیند.

بافت نه موبایل با خود می برد و نه از کامپیوتر در دفتر کارش استفاده می کند.

بیل گیتس، ثروتمندترین فرد جهان، بافت را برای اولین بار پنج سال پیش ملاقات کرد. گیتس فکر نمی کرد نقطه اشتراکی با بافت داشته باشد بنابراین برنامه ملاقات را برای نیم ساعت تنظیم کرد. ولی وقتی با او ملاقات کرد جلسه شان 10 ساعت طول کشید و گیتس به یکی از مریدان او تبدیل شد.



واما، شاید برایتان جالب باشد وارن بافت به جوانان توصیه می کند که:

«از (وامهای بانکی) پرهیز کنید و در خودتان سرمایه گذاری نمایید. همواره به یاد داشته باشید:»

پول یک مرد را نمی سازد، ولی یک مرد پول می سازد.

زندگی تان را هرچه ساده تر کنید.

به ساز دیگران نرقصید، فقط به آنها گوش دهید ولی کاری را کنید که احساس خوبی راجع به آن دارید.

دنبال نامهای تجاری نباشید؛ تنها چیزی را بپوشید که در آن راحت هستید.

پولتان را برای چیزهای غیرضروری هدر ندهید؛ بلکه آن را برای چیزهایی خرج کنید که واقعا بهشان نیاز دارید.

این زندگی شماست، پس به دیگران اجازه ندهید راجع به آن تصمیم بگیرند.

شادترین افراد لزوماً بهترین چیزها را ندارند. بلکه قدر آن چه را می یابند می دانند.

23 اصل سرمایه گذاری وارن بافت

روش پیروزمندانانه شماره 1:	
حفظ سرمایه همیشه اولویت اول است	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خیره:
از سرمایه گذاری تنها یک هدف دارد- "به دست آوردن پول زیاد". در نتیجه غالباً در حفظ سرمایه با شکست مواجه می شود.	بر این باور است که همیشه اولویت اول حفظ سرمایه است. این باور زیربنای روش سرمایه گذاری او می باشد.

روش پیروزمندانانه شماره 2:	
اجتناب از ریسک به صورت جدی	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خیره:
فکر می کند که سودهای کلان تنها از طریق پذیرش ریسک های بزرگ، بدست می آیند.	در نتیجه (روش شماره 1)، مخالف ریسک است.

روش پیروزمندانانه شماره 3:	
فلسفه سرمایه گذاری مخصوص به خود داشته باشید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خیره:
یا هیچ گونه فلسفه سرمایه گذاری ندارد و یا از فلسفه سرمایه گذاری شخص دیگری استفاده می کند.	فلسفه سرمایه گذاری مخصوص به خود را طرح کرده است، که گویای شخصیت، توانایی ها و اهداف او می باشد. در نتیجه، ممکن نیست که سرمایه گذاران بسیار موفق، فلسفه های سرمایه گذاری مشابهی داشته باشند.

روش پیروزمندانانه شماره 4:	
برای انتخاب، خرید و فروش سهام، سیستم شخصی خودتان را طراحی کنید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خیره:
هیچ گونه سیستمی ندارد. یا سیستم شخص دیگری را اتخاذ کرده است. بدون آنکه آن را آزمایش و یا با شخصیت خود سازگار کند. (هنگامی که چنین سیستمی برای او موثر واقع نمی شود سیستم دیگری را اتخاذ می کند که آن هم موثر واقع نمی شود).	او سیستم شخصی خود را برای انتخاب، خرید و فروش سرمایه گذاری ها ایجاد کرده و آزمایش کرده است.

روش پیروزمندانه شماره 5:	
تا آن اندازه که می‌توانی خرید کن	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
به تنوع بخشی اعتقاد ندارد. در صورتی که یک سرمایه‌گذاری معیارهای او را داشته باشد، همیشه تا آن اندازه که می‌تواند به خرید آن می‌پردازد.	اعتماد به نفس لازم برای انجام یک سرمایه‌گذاری بسیار بزرگ را ندارد.

روش پیروزمندانه شماره 6:	
بر میزان بازدهی که پس از پرداخت مالیات به دست می‌آید تمرکز کنید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
از پرداخت مالیات و دیگر هزینه‌های داد و ستد متنفر است و فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که پرداخت مالیات خود را به طور قانونی به پایین‌ترین حد برساند.	متوجه تاثیر منفی مالیات‌ها و هزینه‌های معاملات بر عملکرد سرمایه‌گذاری در بلند مدت نیست و یا آن را نادیده می‌گیرد.

روش پیروزمندانه شماره 7:	
تنها بر روی چیزی که درک می‌کنی سرمایه‌گذاری کن.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
تنها بر روی چیزی که درک می‌کند، سرمایه‌گذاری انجام می‌دهد.	نمی‌داند که یکی از پیش نیازهای ضروری موفقیت داشتن درک عمیق از کاری است که انجام می‌دهد. به ندرت متوجه می‌شود که موقعیت‌های سودمند در حوزه تخصصی خود او وجود دارد.

روش پیروزمندانه شماره 8:	
از سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که با معیارها یگان سازگار نیست اجتناب کنید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
از سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که با معیارهای سازگار نیست اجتناب می‌کند. می‌تواند به آسانی به هر چیز دیگری نه بگوید.	هیچ معیاری ندارد، یا معیارهای دیگری را اتخاذ می‌کند. نمی‌تواند به طمع خود "نه" بگوید.

روش پیروزمندانه شماره 9:	
تحقیقات خود را انجام دهید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
به دنبال یک فرصت یک به هزار است که وی را در مسیر آسان تر قرار دهد. در نتیجه همیشه به دنبال "نقطه اوج فعالیت‌های ماهیانه" است. همیشه به هر که ظاهرش شبیه متخصص‌ها باشد گوش می‌دهد. به ندرت پیش از خرید مطالعه‌ای عمیق و اساسی انجام می‌دهد. تمام تحقیقات او منحصر به آخرین نکته داغ پیشنهادی از سوی یک کارگزار، مشاور یا روزنامه روز قبل است.	بطور مستمر در پی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید است که با معیارهای او همخوانی داشته و کاملاً بر پایه تحقیقات خودش باشند و تنها به صحبت‌های سرمایه‌گذاران و تحلیلگرانی گوش می‌دهد که دلایل پرمحتوا و قابل احترامی دارند.

روش پیروزمندانه شماره 10:	
بی‌اندازه صبور باشید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
تصور می‌کند در همه حال باید در بازار مشغول انجام کاری باشد.	این صبر را دارد که در هنگام عدم یافتن یک سرمایه‌گذاری منطبق با معیارهایش به انتظار بنشیند تا موردی را بیابد که مطابق معیارهایش باشد.

روش پیروزمندانه شماره 11:	
فوراً اقدام کنید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
کارها را به تعویق می‌اندازد.	به محض تصمیم‌گیری اقدام می‌کند

روش پیروزمندانه شماره 12:	
یک سرمایه‌گذاری موفق را تا زمانی نگه دارید که دلیل از پیش تعیین شده‌ای برای فروش آن داشته باشید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
به ندرت قانون از پیش تعیین شده‌ای برای به دست آوردن سود دارد. اغلب می‌ترسد که سود کم به زیان تبدیل گردد بنابراین سرمایه‌گذاری خود را به پول نقد تبدیل می‌کند و همواره سودهای کلانی را از دست می‌دهد. در سال 2000 اطلاعات بایگانی شده بر کشایر در SEC (کمسیون بورس اوراق بهادار)، آشکار ساخت که بر کشایر مقدار زیادی از سهام خود در دیزنی	یک سرمایه‌گذاری موفق را تا زمانی نگه می‌دارد که دلیل از پیش تعیین شده برای خروج از سرمایه‌گذاری بوجود آید.

<p>را فروخته است. در مجمع سالیانه برکشایر در سال 2002، سهامداری از بافت سوال کرد که چرا این سهام را فروخته است. سیاست بافت این است که او هرگز درباره سرمایه‌گذاری‌هایش نظری نمی‌دهد، بنابراین غیر مستقیم پاسخ داد: "ما نسبت به ویژگی‌های رقابتی شرکت نظری داشتیم که تغییر کرد."</p>	
---	--

روش پیروزمندانه شماره 13:	
از سیستم خود مصرانه پیروی کنید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
از سیستم خود مصرانه پیروی می‌کند	دائماً سیستم خود را زیر سوال می‌برد - البته اگر سیستمی داشته باشد. معیارها و اهدافش را برای توجیه کارهایش تغییر می‌دهد.

روش پیروزمندانه شماره 14:	
اشتباهات خود را بپذیرید و فوراً آنها را اصلاح کنید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
او می‌داند که ممکن است اشتباه کند. لحظه‌ای که متوجه اشتباهاتش می‌شود آنها را اصلاح می‌کند در نتیجه به ندرت پیش می‌آید که مشکلات او چیزی بیش از زیانهای کوچک باشد	دست از سرمایه‌گذاریهایی که در آنها شکست خورده نمی‌کشد و امیدوار است بتواند ضررش را جبران کند و در نتیجه اغلب از زیان‌های بزرگ رنج می‌برد.

روش پیروزمندانه شماره 15:	
اشتباهات را به تجربیات آموزنده تبدیل کنید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
همواره به اشتباهات به عنوان تجربیات آموزنده می‌نگرد.	هرگز به اندازه کافی به یک روش نمی‌پردازد تا بفهمد چگونه آن را بهبود بخشد. "همواره به دنبال یک راه حل سریع و آسان است."

روش پیروزمندانه شماره 16:	
هزینه‌های خود را پردازید.	
سرمایه گذار خیره:	سرمایه گذار بازنده:
سود وی با افزایش تجربه‌اش افزایش می‌یابد و اکنون با صرف وقت کمتر درآمد بیشتری کسب می‌کند. "او هزینه‌های خود را پرداخته است."	نمی‌داند که پرداخت هزینه‌ها یک ضرورت است. به ندرت از تجربیات خود درس می‌گیرد. و بر تکرار اشتباهات اصرار می‌ورزد تا آنجا که همه چیز خود را از دست می‌دهد.

روش پیروزمندانانه شماره 17:	
هرگز در مورد کاری که در حال انجام آن هستید چیزی نگویند.	
سرمایه گذار خبره:	سرمایه گذار بازنده:
تقریباً هیچگاه در مورد کاری که در حال انجام آن است با کسی سخن نمی‌گوید. به اینکه دیگران در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری او چه فکر می‌کنند علاقه‌ای ندارد. و خود را درگیر آن نمی‌کند.	همواره در مورد سرمایه‌گذاری‌های فعلی‌اش با سایرین صحبت می‌کند و به جای آنکه تصمیمات خود را با واقعیت بسنجد آنها را با نظرات دیگران محک می‌زند.

روش پیروزمندانانه شماره 18:	
بدانید که چگونه کارهای خود را به دیگران بسپارید.	
سرمایه گذار خبره:	سرمایه گذار بازنده:
اغلب مسئولیتهای خود و یا حتی همه آنها را با موفقیت به دیگران می‌سپارد.	مشاوران و مدیران سرمایه‌گذاری را به همان روشی که تصمیمات سرمایه‌گذاری‌اش را می‌گیرد، انتخاب می‌کند.

روش پیروزمندانانه شماره 19:	
بسیار پایین‌تر از سطح ثروت خود زندگی کنید.	
سرمایه گذار خبره:	سرمایه گذار بازنده:
بسیار پایین‌تر از سطح ثروت خود زندگی می‌کند.	احتمالاً فراتر از سطح ثروت خود، زندگی می‌کند (اغلب مردم چنین کاری می‌کنند).

روش پیروزمندانانه شماره 20:	
پول عامل اصلی نیست.	
سرمایه گذار خبره:	سرمایه گذار بازنده:
برای اشتیاق و کامیابی خود سرمایه‌گذاری می‌کند و نه برای پول.	به واسطه پول انگیزه پیدا می‌کند و تصور می‌کند که سرمایه‌گذاری راهی سریع برای دستیابی آسان به ثروت است.

روش پیروزمندانانه شماره 21:	
عاشق کاری باشید که انجام می‌دهید و نه عاشق چیزی که دارید.	
سرمایه گذار خبره:	سرمایه گذار بازنده:
از لحاظ احساسی با فرآیند سرمایه‌گذاری درگیر شده است (و رضایت و خرسندی خود را از آن کسب می‌کند)، و قادر است از هر گونه سرمایه‌گذاری شخصی دوری گزیند.	عاشق سرمایه‌گذاری‌های خود می‌شود.

روش پیروزمندانه شماره 22:	
تمام فکر و ذکر خود را به سرمایه‌گذاری اختصاص دهید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
فکر و زمان خود را به طور کامل به رسیدن به اهداف سرمایه‌گذاری خود، اختصاص نمی‌دهد (حتی اگر بداند که آن اهداف چه چیزهایی هستند).	در تمام مدت شبانه روز به فکر سرمایه‌گذاری است.

روش پیروزمندانه شماره 23:	
سرمایه خود را در جریان فعالیت اصلی خود قرار دهید.	
سرمایه گذار بازنده:	سرمایه گذار خبره:
در میان سرمایه‌گذاری‌ها مقادیری کمی به سرمایه خود اضافه می‌کند. در واقع فعالیت‌های سرمایه‌گذاری او غالباً برای ثروتش مخاطره‌آمیز است. وجوه مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های خود (و جبران زیان‌های خود) را از جای دیگری همچون سودهای تجارت، حقوق، صندوق بازنشستگی، برنامه‌های پاداش دهی شرکت و... تامین می‌کند.	پول خود را در همان حوزه‌هایی که بیش از همه دوستشان دارد صرف می‌کند. برای مثال وارن بافت 99 درصد از سرمایه خود را در سهام برکشایرهائوی قرار داده است به همین ترتیب جورجی شوارتز بیشتر حجم پول خود را در صندوق کوانتوم حفظ می‌کند. برای شوارتز و بافت سرنوشت دارایی افرادی که پول خود را به مدیریت آنها واگذار کرده‌اند یکسان است.

7 اشتباه نابخشدنی در سرمایه گذاری

گناه نابخشدنی شماره 1

باور داشتن این موضوع که برای بدست آوردن بازده‌های بیشتر، باید حرکت بعدی بازار را پیش‌بینی کرد.

واقعیت: سرمایه‌گذاران بسیار موفق در پیش‌بینی حرکت بعدی بازار، هیچگونه برتری نسبت به من یا شما ندارند.

گناه نابخشدنی شماره 2

باور "مشاور": اگر من نمی‌توانم بازار را پیش‌بینی کنم، حتماً شخصی هست که بتواند این کار را انجام دهد - تمام کاری که باید انجام دهم پیدا کردن آن شخص است.

واقعیت: اگر شما بتوانید واقعاً آینده را پیش‌بینی کنید، آیا آگاهی خود را از روی پشت بام‌ها به همه اعلام می‌کنید؟ یا آن را به هیچکس نمی‌گویید؟ با ارائه درخواست خرید به شرکت کارگزاری و انجام معامله پول زیادی بدست می‌آورید؟

الاین گارزارلی، یک تحلیل‌گر تکنیکال ناشناس بود که در 12 اکتبر 1987، فروپاشی مالی قریب الوقوعی در بازار سهام را پیش‌بینی کرد. این پیش‌بینی دقیقاً یک هفته پیش از دوشنبه سیاه اکتبر بود.

گناه نابخشدنی شماره 3

باور این موضوع که اطلاعات داخلی راه بدست آوردن پول کلان می‌باشد.

واقعیت: وارن بافت ثروتمندترین سرمایه‌گذار دنیا است. منبع مورد علاقه او برای کسب رهنمودهایی برای سرمایه‌گذاری معمولاً به طور مجانی در دسترس است. گزارشات سالیانه شرکت‌ها!

گناه نابخشدنی شماره 4

تنوع بخشی (متنوع سازی پرتفوی)

واقعیت: سابقه خیره‌کننده وارن بافت از تشخیص تعداد محدودی سهم‌های برجسته و سپس سرمایه‌گذاری کلان تنها در همین چند شرکت ناشی می‌شود.

گناه نابخشودنی شماره 5

باور این موضوع که برای بدست آوردن سودهای بزرگ باید ریسک‌های بزرگ کرد.

واقعیت: همچون کارآفرینان، سرمایه‌گذاران موفق نیز به شدت مخالف ریسک هستند و هر کاری بتوانند انجام می‌دهند تا از ریسک اجتناب کنند و زیان را به حداقل برسانند.

گناه نابخشودنی شماره 6

باور داشتن به وجود یک "سیستم": شخصی در جایی، سیستمی بوجود آورده است - با برخی از پیچیدگی‌های خاص در تحلیل تکنیکال، تحلیل بنیادی، معماری کامپیوتری، مثلث‌های گان، یا حتی طالع‌بینی - که سود سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کنند.

واقعیت: این باور یکی از پیامدهای باور داشتن کلام مشاور است. اگر یک سرمایه‌گذار بتواند تنها به سیستم یک مشاور دسترسی پیدا کند، قادر خواهد بود به همان میزانی که مشاور می‌گوید پول بدست آورد. آسیب‌پذیری منطقی گسترده در مورد این گناه نابخشودنی در سرمایه‌گذاری این است که چرا افرادی که سیستم‌های مربوط به معامله را می‌فروشند، پول خوبی بدست می‌آورند.

گناه نابخشودنی شماره 7

باور به اینکه شما می‌دانید در آینده چه چیزی رخ می‌دهد و مطمئن بودن از اینکه بازار باید "بطور اجتناب ناپذیر" درستی باور شما را اثبات کند.

واقعیت: این باور یکی از ویژگی‌های عادی کسانی است که اشتیاق بیش از حدی به سرمایه‌گذاری دارند. تقریباً همه با ابروینگ فیشر موافق بودند، هنگامی که او مدعی شد: "سهام به سطح بالای جدیدی رسیده است." - دقیقاً چند هفته قبل از فروپاشی مالی بازار سهام در سال 1929!

هنگامی که در دهه 1970 ارزش طلا افزایش یافت، باور اینکه بوجود آمدن تورمی حاد غیر قابل اجتناب است، آسان بود.

با توجه به قیمت‌های Amazon.com, eBay, yahoo.com و صدها شرکت اینترنتی دیگر، که هر روز افزایش می‌یافت، شعار وال استریت در دهه 1990: "سود مهم نیست"، درست به نظر می‌رسید.

تهیه و تنظیم:

وبلاگ "[القباى بورس](http://www.abc.bourseblog.ir)"

<http://www.abc.bourseblog.ir>